یادداشت

دنیادار باش، دنیاپرست نباش!



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
فعال فرهنگی

یکی از موضوعات مهم در مباحث اخلاقی، دل نبستن به دنیا و زهد و دوری از دنیاست. از طرف دیگر در روایات ما محبت دنیا رأس تمام خطاها و منشأ تمام گرفتاری‌ها معرفی شده است. از امیرالمؤمنین(ع) هم مطالب زیادی در این باره نقل و روایت شده است.
در حکمت ۱۰۳ نهج‌البلاغه آمده است:
وَ [وَ قَدْ] رُئِيَ عَلَيْهِ إِزَارٌ خَلَقٌ مَرْقُوعٌ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ (علیه‌السلام): يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَ تَذِلُّ بِهِ النَّفْسُ وَ يَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ. إِنَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ عَدُوَّانِ مُتَفَاوِتَانِ وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَهَ وَ عَادَاهَا، وَ هُمَا بِمَنْزِلَهِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ مَاشٍ بَيْنَهُمَا كُلَّمَا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ، وَ هُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ.
جامه‌ای کهنه و وصله‌دار بر تن داشت، در این باب از او پرسیدند. فرمود: این جامه، دل را خاشع و نفس را خوار می‌سازد و مؤمنان بدان اقتدا کنند.
و فرمود: دنیا و آخرت دو دشمن ناهمگون‌اند و دو راه گونه‌گون. هرکه دنیا را دوست بدارد، آخرت را دشمن داشته. دنیا و آخرت به مثابه مشرق و مغرب‌اند و کسی که میان آن دو سیر می‌کند، هرگاه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور گردد یا چون دو زن هستند در نکاح یک شوی.
آنچه مهم است و این حدیث شریف به آن نظر دارد، این است که نباید به‌سمت دنیا حرکت کرد، اما بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در این امر دچار بدفهمی می‌شوند و تلاش روزانه و دغدغه معیشت و نان حلال داشتن را به‌عنوان حرکت به‌سمت دنیا می‌بینند، درحالی‌که این چنین نیست و اصل این است که فرد دل‌بسته به مظاهر دنیا نباشد و به‌عنوان دستور الهی و در مسیر خدا از مواهب و نعمت‌ها استفاده کند.
ماجرای زیبایی از مرحوم نراقی نقل شده است که این ماجرا را تبیین می‌کند. مرحوم ملااحمد نراقی (متوفی ۱۲۴۴ قمری) که از بزرگان علمای اسلام است، دارای ثروت زیادی بود. در بیرون شهر، یک باغ میوه داشت و تشریفات زندگی او مجهز بود. یک روز به حمام رفت. اتفاقا یک درویش هم به حمام آمده بود. وقتی که آمدند لباس بپوشند، آن درویش عرض کرد: حضرت آیت‌ا...، شما می‌گویید علاقه به دنیا بد است و حال آنکه این همه مال دارید؟
من تعجب می‌کنم با این همه مال و ثروت، چطور می‌خواهید بمیرید؟ آقا جوابی نداد تا هر دو لباس پوشیدند و آمدند از در حمام بروند. حاج ملااحمد نراقی گفت: جناب مرشد، کربلا رفته‌ای؟
گفت: نه؛ پاسخ داد: بیا همین‌طور دونفری پیاده به کربلا برویم. مرشد موافقت کرد. دو نفری از نراق به طرف کربلا حرکت کردند. مقداری راه رفتند. یک‌مرتبه درویش دست‌ها را به‌هم زد و گفت: آخ، قدری صبر کن، نراقی پرسید: چی شد؟ درویش گفت: کشکول خودم را در حمام جاگذاشتم، بروم و بیاورم. فرمود: هان! مطلب همین جاست جناب درویش! به قول خودت من گاو دارم، گوسفند دارم، اسب دارم، قاطر و تشکیلات دارم، ولی موقعی که می‌خواستم مسافرت بکنم، همه را سپردم به خدا و دل از آن‌ها کندم. ولی شما یک کشکول داری، نتوانستی دل بکنی؛ یعنی علاقه تو به این کشکول آن‌قدر زیاد است که دل کندن از آن خیلی مشکل است. این فرق بین من و توست؛ من مال دارم، ولی مالی که دل‌بستگی ندارم و تو یک کشکول داری و دل به آن بسته‌ای.
این ماجرا برای مخاطب ثابت می‌کند که انسان نباید دل‌بسته دنیا باشد اما اینکه از راه حلال دارای مکنت باشد، ایرادی ندارد، بلکه فرمود کسب روزی حلال خودش از بهترین عبادت‌های ماست. نکته بعدی این است که چه بسیارند افرادی که مال اندکی دارند اما به همان دل‌بسته‌اند اما در طرف مقابل افرادی هستند که به‌ظاهر ثروتمند هستند اما حاضرند از مال خود در راه خدا دست بکشند و صرف نظر کنند، پس نباید زود قضاوت کرد و باید به‌دنبال انجام وظایف و درعین‌حال بیرون کردن محبت دنیا از قلبی بود که خانه و حرم خداوند متعال است.

بردار و بخوان

«مژده گل»
داستان‌هایی برای تجربه زندگی بهتر

حمیده ذاکری| حکایت‌ها به خودی خود شیرین هستند و انسان با شنیدن و خواندن آن‌ها به دنیایی دیگر سفر می‌کند و با آدم‌های دیگر، سبک زندگی دیگر و موضوعاتی از این دست آشنا می‌شود. حالا فکرش را بکنید که این حکایت‌ها شرح روزها و شب‌های برترین انسان‌هایی باشند که خدا آفریده است، پس مگر می‌شود به دل ننشینند؟ خصوصا حرف‌ها و نکته‌هایی که دوست داریم همیشه بشنویم و آن را آویزه گوشمان کنیم.
مجموعه کتاب داستانی «مژده گل» چهارده جلد دارد و دربردارنده داستان‌های کوتاهی از چهارده معصوم(ع) است که برای گروه سنی کودک و نوجوان چاپ و منتشر شده است. این مجموعه، کودکان و نوجوانان را با زندگی چهارده معصوم(ع) درقالب داستان آشنا می‌سازد و به خانواده‌ها فرصت می‌دهد که فرزندان خود را با زبان داستان و حکایت با زندگی چهارده معصوم آشنا کنند؛ زبانی که به دل می‌نشیند و حکایت‌های آموزنده آن، می‌تواند چراغ راه زندگی آن‌ها قرار گیرد.
خواندن این حکایت‌ها از زندگی چهارده معصوم(ع) پر از پند و اندرزهایی است که می‌توانند از ما در سختی‌ها و رنج زندگی دستگیری کنند. خواندن این کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان که در سن یادگیری هستند، چراغ راه است و باتوجه به اینکه آن‌ها در دوره یادگیری هستند، همواره در ذهنشان باقی خواهد ماند.
زبان صمیمانه‌ای که نویسنده برای این کتاب‌ها از آن استفاده کرده، خواندن این مجموعه را برای کودکان و نوجوانان آسان کرده است. همچنین ناشر با استفاده از تصاویری خوش‌رنگ‌ولعاب از نظر بصری، کتاب را جذاب کرده است تا متناسب با خواسته‌ها و سلیقه کودکان و نوجوانان باشد.
محمود پوروهاب در همکاری با مجید ملامحمدی و چند نویسنده دیگر، بعد از سال‌ها نگارش در حوزه کودک و نوجوان، حالا تجربه‌ها و قلم خود را با زندگی چهارده معصوم(ع) گره زده و با به‌کارگیری زبانی روان و شیوا، ارزش‌ها و نکات مهم آموزشی، اخلاقی و معرفتی را برای کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآورده است.



قرآن کریم به‌گفته رسول خدا(ص)، اثری است که همواره زنده است

معجزه همیشه تازه

گزارش

حمیده ذاکری| **میان رفقایمان همان‌طور که حافظ قرآن پیدا می‌شود، فردی هم هست که کمتر با این کتاب الهی مأنوس باشد. نسبت هرکدام ما با قرآن، مختلف است. برخی برای مشورت، برخی برای یادگرفتن و برخی به نیت ثواب به سراغش می‌رویم. برای بعضی‌هایمان هر روز هست و برای برخی، هر وقت می‌روند زیارت. بعضی‌ها به این کتاب مبارک خیلی نزدیکیم و برخی دورتر اما قرآن، به‌عنوان معجزه رسول خدا(ص)، در زندگی همه ما بچه مسلمان‌ها حضور دارد. قرآن معجزه‌ای است که نزدیک ماست. توی بچگی بالای سر بیشتر ما بوده است و وقت سفر با سلام‌وصلوات از زیرش رد شده‌ایم. حالا هم توی جیب پیراهن خیلی‌ها نزدیک قلبمان است. هرچند هزار و چهارصد سال بیشتر یا کمتر از عمر این معجزه الهی می‌گذرد، به ما بچه مسلمان‌های امروزی هم وصل است. برایمان زنده است. این ربطی به من و تو و کم و زیاد بودن معرفتمان ندارد، بلکه ربطش بیشتر به خود این معجزه است؛ به کتابی که به‌گفته رسولش، حی و زنده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قرآن کتاب زنده‌ای است که مرگ ندارد».**

(بحارالأنوار، ج۳۵، ص۴۰۳).

در ادامه، کلام اهل بیت(ع) را درباره این ویژگی منحصربه‌فرد قرآن کریم با هم مرور می‌کنیم.

مثل خورشید مثل ماه

قرآن کریم این معجزه رسول خدا(ص) کلامی است که همواره در جریان است و همان‌گونه که خورشید و پرتو نورانی‌اش برای ما هر روز نو و تازه است، قرآن و آیات الهی‌اش نیز همیشه تازه و نو هستند. این کلام الهی مانند لوحی زنده است که انسان هر دوره به‌سراغ آن رفته، با تفکر و تدبر در آیات آن به دریافت‌ها و رموزی نو دست یافته است؛ دریافت‌ها و کشف‌هایی که هنوز مسیر آن پیش‌روی اهل تدبر و تفکر باز است و مانند اقیانوسی بی‌انتها، ناگفته‌ها و شگفتی‌های مطرح‌نشده بسیاری دارد. همین ویژگی است که پیامبر اکرم(ص) درباره آن فرموده‌اند: «مَثَل قرآن، مثل خورشید و ماه است و مثل آن دو همیشه در جریان است».

با تکرار کهنه نمی‌شود

بسیار پیش آمده است که ما اثری را خوانده یا شنیده‌ایم و پس از نخستین بار به نظرمان آن اثر کهنه آمده است و دیگرباره به سراغش نرفته‌ایم اما معجزه دیگر قرآن کریم این است که در هر تکرار، نو و زنده است. امام علی(ع) در سخنی در این باره فرموده‌اند: «...بر شما باد به کتاب خدا که ریسمان محکم است و نور آشکار و داروی شفابخش، فرونشاننده تشنگی‌هاست و هرکه را که در آن چنگ زند، نگه دارد و هرکه بدان درآویزد، رهایی یابد. کژی نپذیرد تا نیازش به راست کردن باشد، و از حق عدول نکند تا به راه حقش بازگردانند. هرچند که بر زبان‌ها تکرار شود یا در گوش‌ها فرو شود، کهنه نگردد».

(نهج‌البلاغه، خطبه۱۵۱).

برای همه زمان‌ها

قرآن حکیم، کتابی الهی است که نه‌تنها برای گروهی از مردم که برای یک زمان خاص نازل نشده است، بلکه به همه جهانیان و همه زمان‌ها تعلق دارد. رسول خدا(ص) در آغاز بعثت خود نه‌تنها مردم دیار و کشور خود که مردم سایر سرزمین‌ها را به اسلام دعوت کردند؛ دعوتی که تا به امروز برای هر انسان حق‌طلب، زنده و پابرجاست. یکی از دلایل زنده بودن این دعوت، قرآن کریم است که با گذشت زمان کهنگی نمی‌پذیرد. از امام رضا(ع) پرسیده شد که چرا قرآن با گذشت زمان کهنه نمی‌شود. امام(ع) فرمودند: قرآن کتابی نیست که خدای متعال آن را برای یک زمان و یک قطعه از تاریخ قرار داده باشد.

(عیون اخبارالرضا(ع)، ج۲، ص۱۳۰).

در هر زمان برای هر مردم جدید

این بخش دیگری از معجزه قرآن کریم است که سایر ائمه اطهار(ع) نیز به شرح آن پرداخته‌اند؛ آن چنان که در روایتی آمده است که از امام‌کاظم(ع) پرسیدند: چگونه است که قرآن هرچه بیشتر منتشر می‌شود و هر چه بیشتر بررسی و تحقیق و دنبال می‌شود، نوتر است و با کثرت انتشار و کثرت بررسی و تحقیق و درس، تازه‌تر و نوتر می‌شود؟ حضرت فرمودند: «چون خدای متعال، قرآن را برای یک زمان و نه زمان دیگر قرار نداده و برای یک مردم و نه مردم دیگر، و یک جامعه، نه جامعه دیگر قرار نداده است. قرآن در هر زمان، جدید و نزد هر مردمی تا روز قیامت تازه است».

(عیون اخبارالرضا(ع)، ج۳، ص۸۷).

روشنا

امام علی(ع)
زَينُ‌الدّين الصّبرُ و الرضا.

و زیبایی دین، صبر و رضا (به قضای پروردگار) است.
تصنیف غررالحکم، صفحه ۲۸۱، حدیث ۶۲۴۳

شنیدنی

دیدگاه امام جعفر صادق(ع) درباره اسراف کردن

اسراف بد است، حتی در کلام

نیلوفر نویدی| روزی امام صادق(ع) در حال بحث و درس با شاگردانشان بودند و در میانه بحث، آیه ۶۷ سوره فرقان را برای آن‌ها قرائت کردند: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا: و کسانی هستند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند».
سپس، ایشان خم شدند و از روی زمین مشتی سنگریزه برداشتند و مشتشان را طوری محکم گرفتند که سنگی بر زمین نریزد. سپس فرمودند: «این، همان بخل و سخت‌گیری است. سپس سنگ‌ها را ریختند و دوباره مشتی سنگریزه دیگر برداشتند. این بار حضرت، مشتشان را طوری باز کردند که همه سنگریزه‌ها روی زمین ریخت. سپس فرمودند: «این، همان اسراف است».
ایشان بار دیگر این کار را تکرار کردند، با این تفاوت که این بار مشتشان را چنان باز کردند که تعدادی سنگ بر روی زمین ریخت و تعدادی دیگر در مشتشان باقی ماند. سپس آن‌ها را به شاگردانشان نشان دادند و فرمودند: «این، همان اعتدال بین سخت‌گیری و اسراف است».
اسراف کردن جزو کارهای ناپسندی است که در احادیث بسیاری از معصومین(ع) نقد شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نگاه امام جعفر صادق(ع) در این زمینه اشاره کرد. حضرت در حدیث دیگری درباره اسراف کردن، می‌فرمایند: «پایین‌ترین مرتبه اسراف، عبارت است از: ۱. دور ریختن آبی که پس از آشامیدن، اضافه آمده است. ۲. اینکه لباس کار و لباس بیرونی، یکی باشد. ۳. دور انداختن هسته خرما پس از خوردن خرما (چون از هسته خرما ماده غذایی برای شتران تهیه می‌شود.)» از آنجایی که امام، معصوم است و عاری از هر خطا و اشتباه، نکوهش این رفتار را علاوه بر احادیث امام، در سیره زندگی ایشان هم می‌توان دید. آن حضرت آن‌قدر از اسراف به دور بودند که گاهی مورد خنده و تمسخر سایرین قرار می‌گرفتند. حضرت در این باره می‌فرمایند: «من هرگاه چیز کمی هم در سفره می‌افتد، آن را برمی‌دارم و این کار باعث تعجب خادم می‌شود و او می‌خندد».

احکام

اموال یتیم

پرسش:
آیا می‌توان در اموال میتی که فرزندان صغیری دارد و هنوز قیمی برای آنان مشخص نشده است، تصرفاتی محدود کرد؟ به‌عنوان نمونه، در خانه‌شان نماز خواند؟

پاسخ اجمالی
چنانچه تصرف مذکور به‌گونه‌ای باشد که عرفا برخلاف مصلحت بچه نابالغ نباشد و قیم شرعی - هرکه باشد - معمولا به آن رضایت خواهد داد، چنین تصرفات محدود و مختصر، اشکالی نخواهد داشت.

آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای
اگر رفتن به آن خانه و تصرفاتی ازقبیل استراحت و نماز خواندن و خوردن غذا در آنجا با اجازه جد پدری یا قیم صغیر یا به مصلحت صغیر بوده باشد یا غذا از اموال صغیر نباشد، اشکال ندارد.

آیت‌ا... العظمی سیستانی
اگر نتوانند از ولی او یا حاکم شرع اجازه بگیرند، درصورتی‌که بودن آن‌ها در آنجا برای طفل مصلحتی دارد -هرچند از جهت تسلای خاطر- اشکال ندارد و اگر مصلحتی ندارد، ولی ضرری هم ندارد، باید معادل ارزش این استفاده را به طفل برسانند.

آیت‌ا... العظمی شبیری‌زنجانی
چنانچه تصرف مذکور به‌گونه‌ای است که به مصلحت بچه صغیر باشد و قیم شرعی هرکه باشد به آن رضایت دارد، مانعی ندارد.

آیت‌ا... العظمی صافی‌گلپایگانی
چنانچه فرزندان متوفی صغیر باشند و حضور فامیل با اجازه ولی شرعی و به مصلحت صغار باشد، تصرفات واقعه مانعی ندارد.

آیت‌ا... هادوی‌تهرانی
تصرفات محدود و متعارفی که در ایام فوت یک فرد در خانه او می‌شود -مثل همین مواردی که در سؤال آمده است- عرفا مورد رضایت وراث و ولیّ شرعی فرزندان صغیر است و خلاف مصلحت طفل صغیر و اموال وی نیز تلقی نمی‌شود؛ البته اگر در موردی ورثه یا ولی شرعی حسب مصلحت طفل، نارضایتی خود را از این تصرفات اظهار کند یا فرد یقین به ناراضی بودن آن‌ها داشته باشد، چنین تصرفاتی جایز نیست و اگر نمازی خوانده شده است، باید دوباره به‌جا آورده شود.